



مبانی، روش و گرایش تفسیری آیت‌الله شهید بهشتی

بی‌بی معصومه سجادی - پژوهشگر مهمان

که ما را از مهم‌ترین پشتوانه‌های نظری تفسیری شهید بهشتی آگاه می‌کند. از آنجایی‌که مفسران، روش‌های تفسیری معینی دارند که از طریق آن، آیه قرآن را تفسیر می‌کنند، در ادامه، روش تفسیری شهید بهشتی را نیز بررسی خواهیم کرد. سپس به بررسی گرایش تفسیری ایشان پرداخته و درصدد هستیم تا اساس گرایش تفسیری ایشان تبیین گردد.

در واقع با بررسی مبانی، روش و گرایش تفسیری آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، قصد داریم بستر لازم را برای استفاده بسیار عالی و اصیل جوانان و دانشجویان اروپا و آمریکا، از قرآن نور، هدایت‌بخش، انسان‌ساز و جامعه متعالی‌ساز برای فهم کامل قرآن فراهم آوریم.

اجتماعی، جلسه تفسیر قرآن برگزار می‌کردند، آن درس‌ها هم‌اینک می‌تواند روشنگر راه جوانان اروپا و آمریکا و هر شخص تشنه حقیقت که به ریسمان قرآن نجات‌بخش چنگ زده است، باشد.

کما اینکه تفسیر آیت‌الله دکتر شهید بهشتی، ضمن استفاده از توسعه معنایی و فضای نزول، هدایت‌گرانه، انسان‌ساز و بیداری‌آفرین است و قرآن را با اجتماع پیوند زده است. (مهدوی‌راد، ۱۴۰۱) بدین جهت در این یادداشت، ابتدا مبانی تفسیری شهید بهشتی را بررسی خواهیم کرد. زیرا مبانی تفسیر، در واقع مجموعه قضاوت‌های کلی و پیش‌بینی درباره مسائل بنیادین قرآن است که تعیین کننده چگونگی تفسیر قرآن می‌باشد

مقدمه

در ماه‌های جاری با توجه به تحولات فلسطین و آگاه شدن جوانان اروپا و آمریکا و سایر نقاط جهان، نسبت به جنایات ددمنشانه رژیم صهیونیستی با موج گسترده‌ای از اقبال دانشجویان و جوانان غیرمسلمان دنیا، خصوصاً اروپا و آمریکا، نسبت به قرآن اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، این کتاب انسان‌ساز و آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مواجه شده‌ایم.

از آنجایی‌که شهید بزرگوار آیت‌الله دکتر بهشتی، در مرکز اسلامی هامبورگ با هدف تربیت، رشد و تعالی و بیداری مسلمانان اعم از طلاب، دانشجویان، فعالان سیاسی و اجتماعی، بازاریان و سایر گروه‌های

زمانی و مکانی دیگر، کاری بالاتر از فهم ساده قرآن است و به تسلط بیشتر بر فهم همه قرآن احتیاج دارد. بنابراین نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که هر فردی این کار را بتواند انجام دهد، این همان اجتهاد و استنباط مجتهدانه از آیات و روایات است... و این یک کار فنی و تخصصی است.» (همان: ۱۵-۱۶)

۱,۶. برخورداری قرآن از سطوح و لایه‌های متعدد معنایی

شهید بزرگوار ادامه می‌دهد: «اینکه گفته می‌شود قرآن ظهري دارد و مطلبی و آن بطن، دوباره مطلبی و بطن‌هایی دارد، ناظر بر این مسئله هست که فهم آن بطن‌ها به تخصص احتیاج دارد و این کار همه کس نیست.» (همان: ۱۶)

۱,۷. امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن

شهید عزیز، بارها در بیانات خودشان از قرآن به‌عنوان کتاب نور، هدایت، روشنگری و... نام برده‌اند و به چگونگی فهم اصل قرآن پرداخته‌اند. در واقع به مبنای دلالت این اوصاف قرآن، بر امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن اشاره دارند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶)

۱,۸. تفسیرپذیری آیات متشابه قرآن

آیت‌الله شهید دکت‌ر بهشتی می‌گوید: «در مورد آیات متشابه، من به دو نوع متشابه برخورد کرده‌ام:

۱- متشابه کامل مثل الم و امثال آن.
۲- متشابه نسبی، یعنی عبارتی که تا حدودی معنایش روشن است، ولی از یک حد فراتر، متشابه می‌شود... در آنجا قطعاً باید از تأویل خودداری کرد... این توصیه مؤکد قرآن است. «مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران/ ۶)

بنابراین ما مثل اخباری‌ها نیستیم که فهم قرآن را یکسره مخصوص پیامبر و

سینه ضبط شده، نوشته و ثبت نیز شده است. (همان) در حقیقت، شهید بهشتی به تواتر قرآن اشاره کردند و قرآنی که در دست مسلمانان است را همان قرآنِ زمانِ نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند که از هرگونه تحریف لفظی مصون است. ایشان در مورد اعتبار اخبار آحاد در تفسیر قرآن نیز چنین می‌گویند: «موضوعی که مورد تأیید عموم علمای بزرگ نیز هست. وضع ما این است که اگر روایتی از نظر سند و از نظر دلالت قطعی باشد، این روایت ردیف و مطابق قرآن است. همان کتاب، سنت و عترت است. اما اگر روایت یا سندش مخدوش یا ظنی باشد یعنی قطعی نباشد یا دلالت عبارت قطعی نباشد، حق نداریم به آن‌ها نقش تعیین‌کننده در فهم قرآن بدهیم. این موضوعی قطعی است و شخصی نیست.» (همان: ۳۳-۳۴)

۱,۴. جاودانه بودن دعوت قرآن

ایشان درباره جاودانه بودن دعوت قرآن می‌گویند: «قرآن، کلامی است که در شرایط تاریخی خاص نازل شده و به مسائل آن زمان نظر دارد، اما به حکم این‌که کتابی جاوید و جهانی است، هرگز نمی‌توان مقصود از آیات را به آنچه مربوط به شرایط ویژه آن زمان بوده است، محدود کرد. یعنی معنی آیات را باید به شرایط زمانی و مکانی دیگر گسترش داد. گسترده بودن حکم و مقصود یک آیه و محدود نبودن آن در چهارچوب زمانی و مکانی خاص نزول آیات، امری روشن و مسلم است که از خود قرآن به دست می‌آید. (همان: ۱۵)

۱,۵. روا بودن اجتهاد در تفسیر قرآن

شهید بهشتی در مورد روا بودن یا روا نبودن اجتهاد در تفسیر قرآن می‌گوید: «گسترش دادن مطالب قرآنی به شرایط

۱. مبانی تفسیری

وجود مبانی، برای علم تفسیر قرآن امری طبیعی، لازم و مسلم است. زیرا مبانی تفسیر، اصول موضوعه و باورهای بنیادینی هستند که تفسیر قرآن بر آن‌ها استوار است. این باورها و قضایا بر اصل امکان و جواز تفسیر یا کیفیت و روش و اصول و قواعد تفسیر، اثرگذار بوده و به آن‌ها جهت می‌دهند. در واقع مبانی تفسیر، سبب چگونگی رویکرد مفسران در تفسیر و شکل‌گیری روش‌ها و احیاناً گرایش‌ها و اصول و قواعد تفسیری مفسران می‌گردد. (میرمحمودی؛ مؤدب، ۱۳۸۸: ۱۹۷) از همین روی، برای شناخت مبانی تفسیری آیت‌الله شهید دکت‌ر بهشتی وقتی سخنرانی‌های ایشان را مورد کاوش قرار می‌دهیم، به بیاناتی می‌رسیم که مبانی تفسیری شهید را برای ما معین می‌کند که بدین شرح است:

۱,۱. همگانی بودن دعوت قرآن

شهید بهشتی معتقد است؛ قرآن برای یک گروه خاص تعیین نشده است و بی‌شک برای همگان نازل شده و برای عموم مردم قابل فهم است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۴)

۱,۲. وحیانی بودن الفاظ و معانی

از دیدگاه شهید بهشتی، قرآن وحیانی است و الفاظ و معانی آن به‌صورت شفاهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و ایشان آن را برای مردم قرائت می‌کردند. (همان: ۵)

۱,۳. مصونیت قرآن از تحریف لفظی

شهید بهشتی قرآن را کتاب هدایت، برای متقین می‌داند که نور است، روشنگر است و مبین و آشکارکننده حقایق و وظایف است که در عین اینکه سینه به

امامان بدانیم و بگوئیم برای فهم باید به روایاتی که پیرامون آن آیه آمده مراجعه کرد. ما می‌گوئیم مقداری از آیات را که آیات بینات و محکمت قرآن هستند همه مردم می‌توانند بفهمند به شرط آنکه عربی بدانند، آن هم عربی عصر قرآن و به شرط آنکه با شرایط نزول آیات آشنا باشند و به شرط اینکه از آن حدی که به روشنی می‌فهمند فراتر نروند و اگر خواستند فراتر روند، تمام آن قیودی را که گفتیم رعایت کنند.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲)

۲. روش تفسیری

استاد درس تفسیر قرآن آیت‌الله دکتر شهید بهشتی، علامه طباطبایی بوده‌اند و روش تفسیری علامه، روش قرآن به قرآن بوده که به روشنی، متمایز از روش پیشینیان است زیرا اعتقاد به نقش محوری آیات توحیدی (غیر آیات) در هندسه معارف قرآن و جدایی‌ناپذیری قرآن و عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز احاطه فراوان علامه به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام موجب پدید آمدن روشی ممتاز و برجسته در تفسیر قرآن به قرآن شده است. علامه با تکیه بر آیات توحیدی، قرآن را به‌گونه‌ای روش‌مند، هم‌سو با روایات اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده است که برکات و نوپردازی‌های بسیاری را در این تفسیر ارزشمند در پی داشته است. (اشرفی، رجبی، ۱۳۹۸) شاید بتوان گفت که به طبع، شهید بزرگوار نیز متأثر از روش استاد خود بوده‌اند و در تفسیر قرآن، روش استادشان را برگزیده و ادامه داده‌اند؛ اما این‌گونه نیست.

۲.۱ روش اجتهادی شهید بهشتی در تفسیر قرآن

ابتدا به تعریف روش تفسیری می‌پردازیم

که عبارت است از: «طریق و شیوه‌ای که هر مفسر برای تفسیر یک یا چند آیه انتخاب می‌کند و غالباً هم بستگی به ابزاری که در تفسیر به‌کار می‌برد، دارد.» (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۸)

تفسیر قرآن، به لحاظ روش، به دو قسم کلی، تفسیر اجتهادی که کامل‌ترین و جامع‌ترین روش تفسیر قرآن است و تفسیر ناقص که شامل تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به عقل، تفسیر قرآن به روایات، تفسیر قرآن به رأی، تفسیر علمی، تفسیر موضوعی و تفسیر رمزی است، تقسیم می‌شود.

همان‌طور که در قسمت مبانی، به عقیده شهید بهشتی مبنی بر روا بودن اجتهاد در قرآن اشاره شد، خود ایشان برای تفسیر قرآن، به دور از هرگونه تفسیر به رأی، قرآن را به‌صورت اجتهادی تفسیر می‌کردند و در همین راستا می‌گویند: «من به سهم خود، از اینکه افراد، برداشت‌های زنده خود را از آیات بنویسند و تقریر و تنظیم کنند و ویژگی‌های خاص یک آیه یا یک جمله از یک آیه را که روح‌نشین و زنده‌کننده است بیان می‌کنند خیلی خوشحال می‌شوم ولی به یک شرط؛ به شرط اینکه با صراحت بگویند: من از این آیه چنین برداشتی دارم و اصرار نداشته باشد که حتماً مقصود از آیه همین برداشتی که من می‌کنم بوده است. چرا؟ چون اگر بخواهد بگوید این آیه منحصرأ این معنی را می‌دهد، آن وقت کس دیگری هم پیدا می‌شود که روح او از این فرد مترقی‌تر، تشنه‌تر و بافت‌های اندیشه‌ای و رفتاری‌اش فراتر است و ممکن است راه را بر برداشت و تعبیر او ببندد... من خود بدان (برداشت زنده و حیات‌بخش از قرآن) مقید بوده‌ام و در بحث‌های تفسیری که داشته‌ام، هر وقت می‌خواستم آیه‌ای را با برداشت نو معنی کنم، سعی می‌کردم برداشت شخصی‌ام را

در ترجمه فارسی دخالت ندهم و بگویم ترجمه آیه این است و برداشت من از آیه چنین است. توصیه می‌کنم ترجمه آیات را از برداشت شخصی خود جدا کنید زیرا ممکن است برداشتی مترقی‌تر از برداشت شما وجود داشته باشد. به همان دلیلی که به برداشت خود اهمیت می‌دهیم، باید به برداشت دیگران نیز اهمیت دهیم، همان برداشت‌های زنده را می‌گوئیم چون همان برداشت‌های زنده هم درجات مختلفی دارد... در همین برداشت‌های زنده گاهی به انحراف‌های عجیب برخورد می‌کنیم (تفسیر به رأی)... که سبب می‌شود این کتاب الهی از اصالت بیفتد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۰) مانند نوشته تفسیرگونه ۳۰۰ صفحه‌ای طلبه‌ای که شهید بهشتی پس از مطالعه ۱۲ صفحه آن، ۷ صفحه نقد نوشتند.

معمولاً در تفسیر اجتهادی، مفسر مجتهد، برای به‌دست آوردن تفسیر مطلوب، مراحل زیر را مورد جهد و کوشش فراوان قرار می‌دهد: بررسی معنی مفردات و قرائت‌های مختلف و ترکیب هر آیه، بررسی آیات قبل و بعد هر آیه، بررسی شأن نزول آیات و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه، مراجعه به روایات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام)، مراجعه به عهد عتیق و جدید و در نظر گرفتن قرائن عقلی و علمی قطعی.

شهید بهشتی برخی از برداشت‌های تفسیری ابن‌سینا و صدرالمآلهین (ملاصدرا) و خواجه نصیرالدین طوسی را مورد نقد مفصل قرار می‌دادند و با احاطه کامل و جامعی که بر مراحل تفسیر اجتهادی قرآن داشتند، مسئله را روشن می‌نمودند. به‌عنوان نمونه ایشان بیان می‌دارند: «من در کتاب خدا از دیدگاه قرآن، یک نمونه را در آیه‌ای که هم ابن‌سینا و هم صدرالمآلهین (ملاصدرا) و هم خواجه



نصیرالدین طوسی در یک مطلب فلسفی-عرفانی مورد استفاده قرار داده‌اند نقادی کرده‌ام و مفصل بر آن انتقاد نوشته و مسئله را روشن نموده‌ام. اصولاً ارتباط آیه موردنظر با آن مطلبی که آن‌ها گفته‌اند و برخی از صاحب نظران و مفسرین قبل از آن‌ها هم گفته‌اند، به صورتی نیست که بتوانیم آن را به حساب قرآن بپذیریم. مثلاً به این آیه توجه کنید:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت/۵۳)

این صاحب نظران معنی این آیه را طوری بیان می‌کنند که ضمیر «أَنَّهُ الْحَقُّ» به خدا برمی‌گردد. در صورتی که ضمیر، برحسب ظواهر قرآن، به خود قرآن برمی‌گردد. بنابراین تمام آن مطالبی که چندین صفحه، مرحوم ملاصدرا و مقداری مرحوم ابن‌سینا و خواجه نصیر در شرح اشارات دارند به آیه مربوط نمی‌شود.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۱)

۳. گرایش تفسیری

مراد از گرایش تفسیر، صبغه‌ها و لون‌های مختلف تفسیر قرآن است که گاهی با عناوینی چون تفسیر کلامی، تفسیر تربیتی، تفسیر اخلاقی و... معرفی می‌شود. این صبغه‌ها با گرایش‌های ذهنی و روانی مفسر، ارتباط تنگاتنگ دارند. (شاکر، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۷-۴۸) به‌طور مثال؛ در حالی که مهم‌ترین دغدغه‌های فکری یک مفسر، تربیت معنوی انسان‌هاست، بزرگ‌ترین دل‌مشغولی مفسر دیگر، مبارزه با حکومت جور و ایجاد جامعه اسلامی یا حکومتی دینی است. به‌طور قطع، تفسیر این دو مفسر، در عین دارا بودن نقاط مشترک فراوان، هریک جهت‌گیری خاص خود را دارد؛ حتی اگر منابع تفسیر، نزد آن دو یکسان باشند. همچنین مفسر متخصص در علم

علم کلام، به سمت تفسیر کلامی می‌رود و مفسر علاقه‌مند به طرح مسائل اجتماعی و تحولات زمانه به سمت انواع تفسیر عصری گرایش می‌یابد. (همان: ۴۸-۴۹)

بنابراین وقتی به تفسیرقرآن آیت‌الله شهید دکتربهشتی نگاه می‌کنیم؛ متوجه می‌شویم ایشان در تفسیر قرآن، گرایش بیشتری به مسائل اجتماعی داشته‌اند. (محلّاتی، ۱۴۰۲) ایشان معتقد بودند که برای فهم معاصران وحی باید تاریخ، طبقات اجتماعی، روابط اجتماعی، مسایل فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهای رایج شبه جزیره عربستان و منطقه حجاز را درک کنیم. (مصطفوی، ۱۴۰۱)

آیت‌الله شهید دکتربهشتی، قرآن را کتاب انسان‌سازی و جامعه‌سازی می‌داند که می‌خواهد انسانی راه‌یافته بسازد. ایشان می‌گویند: «هم‌اکنون ما در عصری هستیم که نیاز فراوان داریم به این که بدانیم موضع قرآن در برابر مسائل و نیازهای اجتماعی چیست؟ کوشش‌های گذشتگان چون در این بُعد نبوده خیلی ما را یاری نمی‌کند و باید در این زمینه خیلی تلاش

کنیم... باید به بافت‌های اجتماعی انسان، همان بافت‌هایی که خود قرآن اسم برده آشنا باشد تا بتواند آیات انسان‌ساز و جامعه‌ساز قرآن را بهتر درک کند.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۴: ۴۲)

شهید بهشتی برای تبیین مسائل روز اجتماع و مسائل مبتلابه مردم معاصر، به‌وسیله قرآن، مطالعه تاریخ و مطالعه شان نزول آیات و تطبیق صحیح واژه‌های قرآن به زبان عربی عصر پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم و برطرف کردن اشکالات معانی لغات زبان عربی عصر حاضر، تلاش فراوانی داشتند. در همین راستا می‌گویند: «فهم صحیح از مقصود آیات قرآن، کم و بیش به حضور در صحنه‌های نزول این آیات، ارتباط دارد. این حضور برای مردم عصر پیغمبر، مهیا بوده است اما برای مردم دیگری که در آن عصر و یا در عصرهای بعد زندگی می‌کردند و از صحنه دور بودند، این حضور باید به چه وسیله‌ای حاصل شود؟ به‌وسیله مطالعه تاریخ. این است که یکی از شرایط فهم صحیح بسیاری از آیات قرآن، تحقیق

معارف قرآن، ۱۳۸۸/۱۰/۵.
 محلاتی، سروش (۱۴۰۲)، سبک تفسیری
 شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، رادیو اینترنتی
 دانشگاه مفید، برنامه ۲۱۰.
 مصطفوی، مهدی (۱۴۰۱)، رویکرد تفسیری
 شهید بهشتی در مکتب قرآن، وبلاگ علوم
 قرآن و حدیث، ۱۴۰۱/۴/۹.
 مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۴۰۱)، همایش
 علمی معرفی و رونمایی تفسیر شش
 جلدی در مکتب قرآن آیت‌الله بهشتی،
 ۱۴۰۱/۴/۹.

برداشت از قرآن، تهران: روزنه.
 شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، مبانی و
 روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم
 اسلامی.
 میرمحمدی، سیدهادی؛ مودب، سیدرضا
 (۱۳۸۸)، «مبانی تفسیر قرآن از دیدگاه
 مفسران شیعه»، دو فصلنامه تفسیرپژوهی،
 دوره ۲، شماره ۴.
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، «امکان
 و جواز فهم قرآن»، معرفت، شماره ۱۲۲.
 رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸)،
 روش‌های تفسیری، پرتال جامع علوم و

تاریخی و مطالعه تاریخی و حضور از
 طریق تاریخ در شرایط نزول قرآن است.
 خصوصا مطالعه دقیق یک دوره از تاریخ
 اسلام.» (همان: ۹-۱۰)

جمع‌بندی

با توجه به منابع استفاده شده و بیانات
 آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، مبانی
 تفسیری بررسی شده در این یادداشت،
 عبارتند از: همگانی بودن دعوت قرآن،
 و حیانی بودن الفاظ و معانی قرآن،
 مصونیت قرآن از تحریف لفظی، جاودانه
 بودن دعوت قرآن، روا بودن اجتهاد در
 تفسیر قرآن و برخورداری قرآن از سطوح
 و لایه‌های متعدد معنایی، امکان و جواز
 فهم و تفسیر قرآن، تفسیرپذیری آیات
 متشابه قرآن. اما این مبانی، دلیل بر
 این نیست که ادامه راه پژوهش برای
 استخراج مبانی دیگر، برای پژوهشگران
 بسته است. بلکه غور و تعمیق در بیانات
 شهید بزرگوار، افق‌های تازه‌ای را برای
 علاقمندان باز خواهد کرد.

روش تفسیر قرآن آیت‌الله شهید دکتر
 بهشتی به تأثیر از استاد بزرگوارشان
 علامه طباطبایی، مفسر تفسیرگران سنگ
 المیزان، روش تفسیر قرآن به قرآن نیست
 بلکه روش اجتهادی، به‌طور جامع است.
 همچنین گرایش ایشان در تفسیر قرآن،
 بیشتر به مسائل اجتماعی است و برای
 فهم دقیق مسائل اجتماعی، تأکید فراوانی
 بر مطالعه تاریخ اسلام، خصوصا تاریخ
 حجاز دارند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم
 اشرفی، امیررضا؛ رجبی، محمد (۱۳۹۸)،
 مبانی تفسیری علامه طباطبایی در المیزان
 «مبانی مرتبط با متن قرآن»، قم: موسسه
 آموزشی پژوهشی امام خمینی.
 حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، روش

